

# نقش و کارکرد رادیو در نظام اجتماعی



جامعه که گسترده‌ترین پهنه تریب‌پذیر از رسانه رادیو به شمار می‌رود، از خرده نظام‌هایی تشکیل شده است که کنش و واکنش میان آنها، تصویری از رفتار کل جامعه به دست می‌آید. از این رو، نقش و کارکرد رادیو را در عرصه جامعه، می‌توان با پیگیری نتایج

ترگذاری این نهاد ارتباط‌جمعی در هر یک از خرده‌نظام‌های جامعه، مطالعه کرد. در واقع، سرویس‌های رادیویی بر خرده‌نظام‌های سیستم جامعه عرضه می‌شوند و اثر آنها بر جامعه، پیامد تأثیر این رسانه را بر اجرای ساختار جامعه در برمی‌گیرد. فرهنگ، یکی از خرده‌نظام‌های مذکور است که مجموعه ویژگی‌های اعتقادی و رفتارهای انسانی آحاد یک جامعه را در برمی‌گیرد. زبان به منزله یک عنصر فرهنگی است و به دلیل ویژگی رادیو در بهره‌گیری از حس شنوایی مخاطبان برای برقراری ارتباط با آنان، نشانه‌های تأثیر این رسانه‌ها را به‌طور چشمگیری، بارز می‌سازد. عرضه برنامه‌های رادیویی بر پایه زبان ملی که از سوی اقوام، نژادها و گروه‌های گوناگون اجتماعی در مقیاس ملی مورد فهم قرار می‌گیرند به حفظ قوام و یکپارچگی و انسجام ملی کمک شایسته خواهد کرد. همچنین بخش پیام‌های رادیویی، مبتنی بر زبان ملی در جوامع محلی کشور و عرضه برنامه‌های فرامرزی برای مخاطبان

ایرانی در خارج کشور، فارسی‌زبانان سایر کشورهای جهان و علاقه‌مندان به فراگیری زبان فارسی، در رشد و اشاعه زبان ملی مؤثر خواهند بود.

دین از دیگر عناصر فرهنگی جامعه به‌شمار می‌رود که رادیو می‌تواند در تضعیف، تثبیت یا تقویت مبانی آن نقش‌آفرین باشد. چنین نقشی از رهگذر معرفی مبادی فکری تعالیم و مضامین دینی، ترویج ارزش‌ها و هنجارهای ترسیم شده در چهارچوب نظری و عملی آن و آموزش آداب، مناسک و رفتارهای ویژه یک دین یا مذهب صورت می‌گیرد. بدین ترتیب، رادیو با سودهی به حسابات، ادراکات، عواطف و انگیزه‌های افراد در جهت اصول اعتقادی و عملی یک دین یا مذهب، تعلق دینی، وابستگی و نزدیکی فعالیت‌های افراد سلامت و صلاحیت می‌یابد و هدف‌گذاری در فرایند زندگی به سطوح متعالی و فرامادی ارتقا پیدا می‌کند.

چنین فرایندی به احیای هویت‌جمعی خواهد انجامید و تفاوت‌های نژادی و قومی، اختلاف در پایگاه اجتماعی، تمایز مبتنی بر زبان و لهجه را به‌فراموشی خواهد سپرد و بدین‌سان، پستر همدردی، همفکری، پاری‌خواهی و پاری‌رسانی در میان افراد و

آحاد جامعه پی‌ریزی خواهد شد.

خرده‌نظام سیاست از دیگر اجزای سیستم جامعه به‌شمار می‌رود که از کارکرد راديو متأثر می‌گردد. این رسانه که در ایجاد، سودهی و اثرگذاری بر باور، ارزش و نگاه افراد نقش به‌سزایی دارد، می‌تواند بنیان‌های مشروعیت یک نظام سیاسی را بنا نهاد و فرماتری. حکم‌پذیری و دستورگیری آحاد جامعه را نسبت به نظام حاکم برانگیزد. این هدف با معرفی مدل‌های درستی، خیر و حقانیت نهفته در بن‌تصمیمات به جامعه و جلب هوایی، خرسندی و همکاری افراد، برآورده می‌شود. از سویی دیگر، گاه در صورت جهت‌گیری برنامه‌ها، اخبار و پیام‌های راديویی در جهت شناساندن ضعف‌ها، توانی‌ها و کاستی‌های نظام حاکم، بنیان‌های بحران مشروعیت در نظام سیاسی از سوی این رسانه پایه‌گذاری خواهد شد.

جامعه‌پذیری سیاسی که آشکارترین پیوند میان نظام اجتماعی و نظام سیاسی جامعه قلمداد می‌شود، یک روند آموزشی و پرورشی است که در جستجوی تلقین ارزش‌ها، مهارت‌ها و سودگیری‌ها در ذهن افراد است و راديو می‌تواند کاتال‌گاز، پرنفوذ و آسان‌انتقال مضامین آموزشی و پرورشی هم‌جهت با اهداف برقراری جامعه‌پذیری سیاسی باشد. این رسانه با افق، نفوذ و رسوخ در اندیشه‌ها به‌عنوان ابزار پرهیز از اسیب و خسارت و عامل تحریک، انگیزش و بسیج نوده جامعه به‌سوی اهداف سیاسی و نیز اعتقاد آحاد جامعه به روابط و سلسله مراتب طبقاتی در میان خود، جامعه‌پذیری سیاسی را محقق خواهد کرد. از سوی دیگر، راديو با ایجاد خنده، کاستی و نقصان در درستی، راستی و اعتبار نظام سیاسی به ارزش‌ها، باورها و مهارت‌های جامعه در جهت بی‌میلی، عدم پذیرش و ناسازگاری با آرمان‌ها و ارزش‌ها این نظام، می‌تواند در روند جامعه‌پذیری سیاسی خلل وارد کند.

راديو، همچنان که با فراهم‌آوری بستر فرهنگی اجتماعی، همبستگی، یکپارچگی و انسجام زندگی اجتماعی را تسبب می‌گردد، از این توانایی برخوردار است که با برانگیختن احساس اعتقاد و ارزش جامعه در جهت اتفاق نظر، تشریک مساعی و مهرایی نسبت به اهداف سیاسی، به پیدایی، استواری یا دیگرگویی فرهنگ سیاسی در جامعه کمک کند.

آن هنگام که راديو با برنامه‌ریزی و ارائه مضامین و پیام‌های از قبل پیش‌بینی شده، مشارکت سیاسی را از خانواده به گروه تغییر دهد، هویت محلی را به هویت اجتماعی تغییر دهد، معیار احراز مقامات حکومتی را از موقعیت خانوادگی بدالیقت و شایستگی تبدیل کند و میزان نفوذ اداری و حقوقی را به ساختار اجتماعی و مناطق دورافتاده کشور مربوط سازد، نشانه‌های توسعه سیاسی را به نمایش خواهد گذارد. راديو می‌تواند شرایط گسستگی، فروریانی و برهاند پیوند میان جامعه امروز و جامعه سنتی را فراهم آورد و پیشتر ظهور جامعه‌ای دگرگون را بر اساس تکنولوژی پیشرفته روح علم، نگاهی عقلایی به زندگی و عدالت جویی آماده کند و بدین ترتیب، امکان نوسازی سیاسی را پدید آورد. نوسازی سیاسی جامعه در یکی از اشکال دموکراسی سیاسی، دموکراسی قیومی، اوتوکراسی نوحه‌ها، اوتوکراسی توئالی و اوتوکراسی سنتی ظهور می‌یابد.

پدیده‌های اقتصادی جامعه و روابط بین این پدیده‌ها در خرده نظام اقتصادی جامعه قابل جستجو هستند که از پیام‌ها، برنامه‌ها و مضامین راديویی اثر می‌پذیرند. راديو از رهگذار برنامه‌های خبری، آموزشی، تحلیلی بر نیروی انسانی، تکنولوژی و مدیریت به منزله عوامل تولید جامعه تأثیرگذار خواهد بود و با بخش برنامه‌های راهمندی استخدام، کارمندی و همکاری به طبقه، ارتباطی میان جویندگان کار و استخدام‌کنندگان می‌شود تا به اشتغال و رفع بیکاری در جامعه کمک کند. این رسانه با برگزاری میزگردها، سمینارها و جلسات بحث، گفتگو و تبادل نظر میان کارشناسان اقتصادی کشور در کنترل قیمت‌ها و نوسان تورم نقش آفرین خواهد بود و با تبادل آراء عقاید و نظر دست‌اندرکاران پیرامون افزایش یا کاهش قیمت نفت، تغییر نرخ بهره، تحریم‌ها، نوسان قیمت ارز و... از طریق کانال‌های راديویی، تصویر سیاست اقتصاد خارجی کشور را رقم خواهد زد.

راديو به پرورش اصول اخلاقی، هویت‌بخشی، رشد شخصیت، آموزش قواعد و اصول بنیادین مخاطبان خود کمک شایان توجهی می‌کند. این وسیله ارتباط جمعی با انتقال آموزش‌های تخصصی، مهارت‌ها و دانش کارشناسی سهم مهمی در گزینش‌ها و تخصیص منابع انسانی جامعه به مقامات، مسئولیت‌ها و مشاغل اجتماعی برعهده دارد و از این طریق بر ایجاد نقش‌های گوناگون اجتماعی، بازآفرینی سلسله مراتب اجتماعی و برقراری تحرک اجتماعی اثر می‌گذارد.

راديو قادر است با شناسایی، انتقال و درونی کردن ارزش‌های جامعه در سرشت آحاد آن، طی فراگرد آموزش و پرورش رسانه‌ای، نفلزات اجتماعی خود را اعمال کند. چنین امری با مهار اوقات فراغت از طریق برنامه‌های آموزشی متناسب با گروه‌ها و طبقات گوناگون اجتماعی که وقت، انرژی و تمایل آنان را در مسیر سازنده هدایت خواهد کرد، صورت می‌گیرد. همچنین شناسایی، آموزش و ترویج و جود اشتراک گروه‌های گوناگون اجتماعی به منظور کاهش ستیزه، کشمکش و تعارض میان آنها و نزدیکی، همگونی و همدمی آنان جلوه دیگری از تقاروت اجتماعی راديو به‌شمار می‌رود.

توجه به نقش کارکرد راديو در نظام اجتماعی، پایه‌ای مطمئن در فرآیندهای پیش‌بینی و برنامه‌ریزی اجتماعی فراهم می‌آورد و چشم‌پوشی از سهم آن در رهبری، شکل‌دهی و اثرگذاری بر روندهای اجتماعی، شناختی محدود از دلایل تحول و توسعه جامعه به‌دست می‌دهد. از این رو، تحقق آرمان‌های اجتماعی، برنامه‌ریزی جامع‌من جهت توسعه و رفاه جامعه، صیانت از ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، اشامه ارزش‌های خردی در اقضا نقاط جهان، بدون در نظرگیری نقش و کارکرد راديو در نظام اجتماعی بی‌سرخواهد بود.

پژوهش نقش و کارکرد راديو در نظام اجتماعی به وسیله آقای دکتر علی‌اصغر کیهان تدوین شده و در آذر ماه ۱۳۷۸ توسط اداره کل تحقیق و توسعه صدا منتشر شده است.

